

کیفیت بخشی

حرفه‌ای

اعظم مقیسه
کارشناس ارشد فیزیک

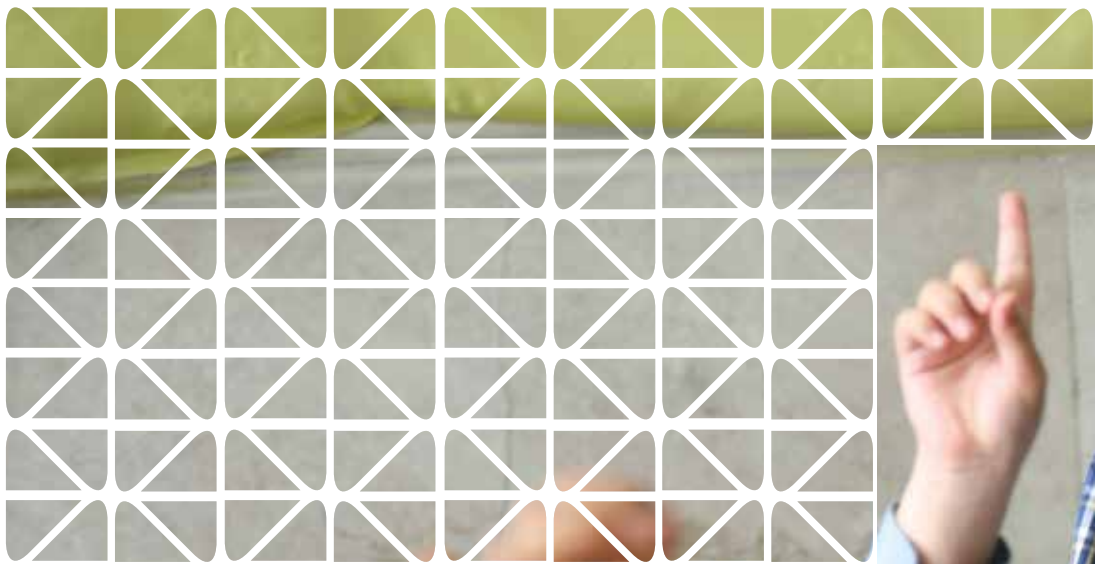


همه‌ساله برنامه‌ریزان آموزشی با هدف اعتلای کیفیت آموزش، متولی اجرای کارگاه‌ها و مجامع آموزشی یا طرح‌هایی مثل درس‌پژوهی، اقدام‌پژوهی یا جشنواره‌ها هستند. این قبیل طرح‌ها، اگر به‌درستی اجرا شوند، می‌توانند به اعتلای حرفه‌ای معلمان کمک کنند. در این مقاله این موضوع را از ابعاد گوناگون بررسی می‌کنیم:

الف) یکی از اصلی‌ترین عوامل ایجاد انگیزه برای معلمان، به‌منظور مشارکت در این طرح‌ها، امتیازهایی است که برای این قبیل اقدامات در ارزشیابی عملکرد آنان لحاظ شده‌اند و به‌طور متقابل، شرکت‌نکردن در آن‌ها باعث از بین رفتن امتیازهایی در ارزشیابی عملکرد معلم می‌شود. در نتیجه، معلمان برای شرکت در برنامه آموزشی، بدون توجه به مفید و کاربردی بودن آن، به‌ناچار باید به دنبال کسب امتیاز باشند. در حالی که اگر فعالیتی علمی، سنجیده و کارآمد و کاربردی طراحی شود، قطعاً معلم با رغبت و علاقه در آن‌ها شرکت می‌کند. این به شأن معلم و علم نزدیک‌تر است.

ب) بعضی از این طرح‌ها مثل الگوی برتر تدریس و اقدام‌پژوهی، با هدف به‌اشتراک گذاشتن تجربه‌های موفق معلمان اجرا می‌شوند که هدفی ارزشمند است، ولی در عمل نمونه‌های تدریس و مقالات برتر در اختیار معلمان قرار نمی‌گیرند. با توجه به قدمت بعضی از آن‌ها، قطعاً باید مجموعه‌ای غنی از تجربه‌های حرفه‌ای معلمان گردآوری شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد؛ هدفی که اساساً طرح به خاطر آن اجرا می‌شود. ولی در عمل این اتفاق نیفتاده و هنوز هم یکی از اصلی‌ترین ابزارهای انگیزشی برای افزایش مشارکت معلمان در این قبیل طرح‌های ارزشمند همان امتیاز است.

پ) به تفاوت بین معلم خوب و معلم پرامتیاز بی‌توجهی می‌شود. این بی‌توجهی ممکن است لطمه‌ای جدی به آموزش وارد کند. همان‌طور که می‌دانیم، معلم خوب در تراز حکومت اسلامی به معلمی اطلاق می‌شود که علاوه بر داشتن مهارت‌های علمی و



دارند و بر ظرافت‌های عملی اجرای طرح‌ها واقف‌اند؟! معلمی که با نادیده گرفتن موفقیت‌هایش باید حتماً سر کلاس یک مترجم بنشیند و در قالب الگوگیری از آموزش و پرورش فلان کشور در معرض خودتحقیری‌هایی از این دست باشد، چطور در کلاس درس روحیه خودباوری و عزتمندی را به دانش‌آموزش القا کند؟

پیشنهادها

۱. بعضی از طرح‌ها مثل الگوی برتر تدریس، تجربه‌های حرفه‌ای و اقدام‌پژوهی، در ارائه نتایج بسیار ضعیف عمل کرده‌اند. صحیح‌ترین کار برای ایجاد انگیزه مشارکت معلمان در آن‌ها، ارائه قوی تجربه‌های موفق انجام‌شده به سایر معلمان است. تنها در این صورت است که این طرح‌ها در جایگاه اصلی تعریف‌شده‌شان قرار می‌گیرند. مثلاً وبگاهی طراحی و معرفی شود و تدریس‌ها یا مقالات موفق در آنجا در معرض استفاده سایر همکاران قرار بگیرند.

۲. بازنگری در برهه‌های ارزشیابی و ارج‌نهادن به زحمات معلمان به‌واقع موفق‌ی که در کلاس درس، دور از هیاهوی امتیاز جمع کردن‌ها، صادقانه و با تلاش به انجام وظیفه‌شان، یعنی اعتلای فرهنگی و اخلاقی دانش‌آموزشان همت می‌گمارند، تا حق به‌حق‌دار برسد.

۳. در به‌کارگیری استادان دوره‌های آموزشی، به میزان توانمندی عملی آن‌ها و میزان بومی‌سازی مطالب توجه شود. همچنین، برنامه‌ریزان آموزشی، به‌جای ترجمه، کمی هم زحمت تولید علم به خودشان بدهند تا در بحث آموزش و پرورش تا این حد واردکننده بی‌چون و چرا نباشیم و به‌جای نشان دادن معلمان ولو بسیار موفق در جایگاه یادگیرنده و آموزش مجموعه‌ای مطالب ترجمه‌ای، علل موفقیت‌های این معلمان را استخراج و مدون کنیم و در قالبی زیبا به آموزش و پرورش سایر کشورها ارائه دهیم و غرور و عزت معلمان توانمندان را ارج نهمیم.

حرفه‌ای، از شخصیتی والا و مدیر برخوردار باشد؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموز او را به‌عنوان الگوی رفتار بپذیرد. او باید با بهره‌گیری از تربیت‌والای برگرفته از تعالیم ارزشمند دین مبین اسلام، خدامحوری و کرامت در رفتار و گفتار را به دانش‌آموز القا کند. باید بتواند هنرمندانه به بهترین تعامل انسانی با شاگردانش برسد و بداند با مشکلات و ناهنجاری‌های ایجادشده در کلاسش چگونه مواجه شود و آن‌ها را مدیریت کند. چگونه تأثیرگذار باشد و چه تأثیری از خود به‌جا بگذارد. این موارد که بسیار مهم و ارزشمند و کلیدی هستند، در برهه‌های ارزشیابی جایگاه خاص و دقیق و تعریف‌شده‌ای ندارند و تنها در قسمت بدون سنجش صحیح، امتیاز آن‌ها به همه تعلق می‌گیرد.

از آن طرف معلم پرامتیاز معلمی است که علی‌رغم حجم بالای کار و مسئولیت فردی و حرفه‌ای‌اش، در طرح‌ها شرکت می‌کند و با دستیابی به ظرافت‌های ارزیابی، رتبه می‌آورد. حتی اگر در تدریس و ارتباط‌گیری با دانش‌آموزان که محور اصلی کار معلم است مشکل داشته باشد. نهایتاً کار اصلی را عده‌ای و امتیاز را عده‌ای دیگر می‌برند. مدیران و دانش‌آموزان بسیار با این تضاد مواجه شده‌اند که معلمی را سر کلاس می‌فرستند که عناوین زیادی با خود یدک می‌کشد ولی از نگاه مخاطب اصلی یعنی دانش‌آموز، معلم خوب و موفق نیست. این داستان نامبارک به دلسردی معلم پرتلاش و موفق منجر می‌شود.

در یک کارگاه آموزشی بودم. استاد مراحل یکی از روش‌های تدریس را توضیح می‌داد. در پایان یکی از معلمان باسابقه منطقه گفت: «چه جالب! من تمام این مراحل را در کلاس انجام می‌دادم!» با خودم فکر کردم، چرا کسانی که این قبیل تجربه‌ها را ترجمه می‌کنند و بعضی‌شان حتی سابقه تدریس در فضای واقعی مدرسه را هم ندارند، باید در جایگاه استاد قرار بگیرند و بدون توجه به دانش ارزشمند تجربی معلمان موفق منطقه، این بزرگواران را سر کلاس بنشانند و مجموعه‌ای مطالب ترجمه‌شده را به آن‌ها آموزش دهند، درحالی که خود این معلمان تجربه عملی